



حکومت ساسانیان

شهربراز اسپهبد و سردار نامدار ساسانی

نویسنده: شمشاد امیری خراسانی

انتشار: ۳ فروردین ۱۳۹۲ ۳۰ دقیقه مطالعه



چکیده مقاله

شهربراز اسپهبد نامدار ساسانی شهربراز، نام اصلی او «فرخان» بود و «شهربراز» لقب او. «شهربراز» یا «شهروراز» به معنای «گراز کشور» یا «گراز امپراتوری» است و اشاره‌ای است به مهارت نظامی و جنگاوری وی و نیز پیروزی‌های پیاپی وی در جنگ‌ها و نبردها. زیرا در ایران باستان گراز نماد ایزد بهرام است که ایزد جنگ و پیروزی است (همان طور که در میان رومیان، مارس یا همان مریخ نماد جنگ بود). شهربراز در زمان خسرو پرویز سمت اسپهبد داشت و یکی از فرماندهان بزرگ ارتش ایران بود که با روم (بیزانس) جنگید و پ



شهربراز اسپهبد نامدار ساسانی

شهربراز، نام اصلی او « فرخان » بود و « شهربراز » لقب او. « شهربراز » یا « شهروراز » به معنای « گراز کشور » یا « گراز امپراتوری » است و اشاره‌ای است به مهارت نظامی و جنگاوری وی و نیز پیروزی‌های پیاپی وی در جنگ‌ها و نبردها.

زیرا در ایران باستان گراز نماد ایزد بهرام است که ایزد جنگ و پیروزی است (همان طور که در میان رومیان، مارس یا همان مریخ نماد جنگ بود).

شهربراز در زمان خسرو پرویز سمت اسپهبد داشت و یکی از فرماندهان بزرگ ارتش ایران بود که با روم (بیزانس) جنگید و پیروزی‌های شایانی به دست آورد از جمله اورشلیم را گرفت و صلیب راستین را - که به اعتقاد مسیحیان عیسی مسیح بر آن به صلیب کشیده شده بود - به تیسفون پایتخت شاهنشاهی ایران ساسانی فرستاد.

...

شهربراز سپس مصر را در سال ۶۱۶ م. و همچنین لیبی را تسخیر کرد و پس از چند سده دوباره قلمروی ایران را به گسترده‌گی زمان هخامنشیان رساند. وی پس از مرگ مرموز اردشیر که احيانا به دست شهربراز به قتل رسیده بود، به مدت 44 روز امور ایران را به دست گرفت، تا امپراطوری ساسانی را از خطر انحلال برهاند و مانع بروز هرج و مرج در کشور شود.

شهربراز همان سرداری بود که اورشلیم و دمشق را از روم پس گرفت و مصر را تصرف نمود و در اسکندریه پادگانی ایرانی ساخت. محبوبیت این سردار در جامعه‌ی آن زمان ایران، باعث تحریک احساس بخل و حسد در خسرو پرویز شده بود و او نقشه‌ی برکناری و تبعید و حتی قتل شهربراز را نیز کشید. اما جریان توطئه قبل از اجرا در جریان جنگ ایران با ارتش « هراکلیوس » امپراطور روم شرقی به گوش شهربراز رسید و وی را سست کرد و او تا پایان کار خسرو

پرویز خود را منزوی ساخت.

پس از قتل خسرو پرویز و پایان حکومت قباد دوم جانشین او، بزرگان کشور با این شرط با پادشاهی پسر قباد دوم یعنی « ادشیر سوم » موافقت کردند که شهربراز نایب السلطنه شود. و او نیز پذیرفت.

شهربراز با هراکلیوس صلح کرد. ولی زود متوجه شد که کشور دچار بی نظمی و در آستانه ی هرج و مرج کامل است و هر صاحب قدرت، خودسرانه اجرای مقررات را بدست گرفته است و مسئله راه حلی جز توسل به روش نظامی ندارد. او از بزرگان کشور خواست تا قدرت را به طور کامل تا زمانی که مسائل حل شوند به وی بسپارند و آنها چون منافع خود را در خطر دیدند، زیر بار نرفتند.

پس از چندی اردشیر سوم بر اثر بیماری در گذشت. و شهربراز قدرت کامل را بدست گرفت ؛ اما بزرگان کشور شایع کردند که او اردشیر خردسال را به کشته است. این شایعه مردم و بعضی از افسران ارتش را خشمگین کرد و در یک فرصت مناسب به خانه ی شهربراز حمله کردند و او را از میان برداشتند. با قتل شهربراز قدرت درباریان و بزرگان روز به روز بیشتر شد، آنها با استفاده از ضعف شاهان ساسانی، مالیاتهای سنگینی از مردم می گرفتند و در اجرای اصول طبقاتی جامعه سخت گیری بیشتری می کردند و همین موارد سرنگونی امپراطوری ساسانی را تسریع کرد.

در سال 630 م، شهربراز اسپهبد مشهور ایرانی و فاتح مصر در شهر تیسفون کشته شد.

ارجاع به این مقاله

شمشاد امیری خراسانی، «شهربراز اسپهبد و سردار نامدار ساسانی»، پارسیان دژ، ۱۳۹۲.

خواندن مقاله و پیوست های آن در وبسایت پارسیان دژ

نشانی ثابت این نسخه:

<http://parsiandej.ir/articles/1250/pdf/شهربراز-اسپهبد-نامدار-ساسانی.pdf>

آخرین ویرایش مقاله: ۱۵ آبان ۱۳۹۹